

گفت‌وگو با محمود آموزگار، رئیس اتحادیه کتاب‌فروشان و ناشران

منتظر استقرار شورای پنجم وشهردار جدید هستیم

هر اتفاق جدیدی در ایران با واکنش‌های هیجانی روبه‌رو می‌شود. این‌بار قرعه به نام باغ کتاب افتاد؛ مکانی که با هزینه‌های میلیاردی و صرف زمانی طولانی به عنوان یکی از آخرین پروژه‌های شهردار ۱۲ساله تهران، قالیباف، در دهه اول تیر امسال افتتاح شد. در ظاهر باغ کتاب می‌تواند یک پروژه جذاب باشد، اما ناشران و کتاب‌فروشان احساس خطر کردند و هنوز کسی نمی‌داند این‌س پروژه چه پیامدهایی دارد. به سراغ محمود آموزگار، رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان، رفتیم تا دلایل اعتراض ۳۵۰ کتاب‌فروش ناشر را بدانیم و از نظرات ناشران درباره این اتفاق آگاه شویم.

❖ آقای آموزگار کرامی به‌تازگی نامهای از ۳۵۰ ناشر خطاب به شما به‌عنوان رئیس اتحادیه فرستاده شده که از مشکلات پیش‌آمده در باغ کتاب حکایت دارد و کتاب‌فروشان درخواست داشتند از حقوق‌شان دفاع کنید. اولین سؤال این است که چرا این را به صورت نامه برای شما ارسال کردند نه برای نهاد شهرداری یا وزارت ارشاد؛ یعنی مرجع شما بودید؟

اینکه چرا نامه را خطاب به من نوشته‌اند، برای این است که می‌خواستند موضوع به صورت صنفی تعقیب شود و اگر به متن نامه توجه شود، با توجه به مواضع من که در گفت‌وگوهای قبلی با رسانه‌ها مطرح شده بود، نسبت به فروش کتاب در باغ کتاب اعتراض خود را مطرح کرده بودند و طبیعی است که به رئیس اتحادیه‌شان نامه بنویسند.

❖ اصلا مگر مشکلی درباره باغ کتاب وجود دارد؟ همیشه نداشتن فضا جزء مشکلات کتاب‌فروشان بوده و حالا که در این راه گامی برداشته شده، چرا اعتراض می‌شود؟

مشکل کتاب‌فروشان در رابطه با باغ کتاب به فروش کتاب در باغ کتاب برمی‌گردد. متأسفانه مواضع مدیریت مجموعه باغ کتاب نیز نگرانی‌های کتاب‌فروشان را تأیید می‌کند و افزایش می‌دهد. وقتی کمالات‌ها تنها امکان باقی‌ماندن کتاب‌فروش‌ها در صحنه قلمداد شوند و گفته شود حداقل تا پنج، شش سال دیگر کتاب‌فروشی‌ها تعطیل خواهند شد، باید به کتاب‌فروشان حق داد که با تأسیس بزرگ‌ترین کتاب‌فروشی جهان و اداره آن به صورت انحصاری، مشکل داشته باشند.

❖ بسیاری از خانواده‌ها از حضور در باغ کتاب راضی هستند. آن را بسیار بهتر و تمیزتر از بخش کودکان نمایشگاه کتاب می‌دانند. این خواسته را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در اینکه فضای باغ کتاب و امکاناتی که در آن ایجاد شده است، بسیار جذاب است و خانواده‌ها از حضور در آن راضی هستند، تردیدی نیست، این مجموعه امکان مناسبی را برای شهروندان تهرانی فراهم آورده است و شهروندان سایر مناطق هم می‌توانند در سفرهایی که به تهران انجام می‌دهند، از باغ کتاب هم به‌عنوان یک جاذبه گردشگری دیدن کنند و همان‌طور که گفتید، از بخش کودکان نمایشگاه هم به‌طور قطع تمیزتر است؛ ولی این دلیل بر توجیه فروش کتاب در آن نمی‌شود. نمایشگاه کتاب ۱۰ روز در سال برپا می‌شود و کتاب‌فروشان مشکلاتی را که این ۱۰ روز فروش کتاب در نمایشگاه برایشان ایجاد می‌کند، تحمل می‌کنند. البته حتما توجه دارید که ارشاد با طرح‌های فصلی فروش کتاب در کتاب‌فروشی‌ها، کوشیده است از میزان آسیب‌های وارده به کتاب‌فروشی‌ها بکاهد.

❖ شاید این سؤال چندان به ماجرای باغ کتاب ربطی نداشته باشد؛ اما تنها برخورد مستقیم خانواده‌ها با کتاب به صورت جمعی، در ایام نمایشگاه کتاب است که در بخش کودکان همیشه به علت جای نامناسب و تهویه‌ناداشتن و... چندان با بازدهی روبه‌رو نمی‌شود و به این مهم توجه نمی‌شود. از شما این سؤال را می‌پرسم، چون شما به‌عنوان رئیس اتحادیه در جریان سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نمایشگاه کتاب هم هستید....

حق با شماست. پس از انتقال نمایشگاه به مصلّا و بعد هم شهر آفتاب، محل استقرار بخش‌های کودک، دانشگاهی، بین‌الملل و آموزشی در سازه‌های موقت چادری، با هوایی که در ایام اردیبهشت با بارش‌های سیل‌آسا تهدید می‌شود یا به هوای گرم و دمر‌کرده زیر چادرها، نفس‌کشیدن را هم مشکل می‌کند. به سهم خودم عملکرد نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را در بخش فروش کتاب منفی و زیان‌بار تلقی می‌کنم و استفاده از سازه‌های موقت برای استقرار بخش‌های مختلف به‌ویژه کودک را اشتباه می‌دانم.

❖ شما از چه زمانی در جریان راه‌اندازی باغ کتاب قرار گرفتید؟

سال‌ها پیش، زمانی که باغ کتاب در حال احداث بود، در زمان مدیریت آقای اشعری، در جریان باغ کتاب قرار گرفتم و بعدها در هیئت‌مدیره اتحادیه در دوران ریاست آقای قدیانی، گفت‌وگوهایی نیز با آقای اشعری انجام شد؛ البته به دفعات کاربری باغ کتاب تغییر کرد.

❖ چرا توانستید به‌عنوان یک نهاد صنفی با یک نهاد عمومی – شهرداری – ارتباطی برقرار کنید؟

دغدغه اصلی من این بود که نحوه استفاده از آن، آسیبی به سیستم فروش متعارف کتاب‌فروشی‌ها – نرزد. با تصمیم هیئت‌مدیره وقت، قرار شد شرکت تعاونی ناشران و کتاب‌فروشان تهران پس از تکمیل مبادرت به بهره‌برداری کند. متأسفانه شرکت تعاونی به مشکل کلاهبرداری برخورد و از آن زمان فعالیتش متوقف شد. در دوره اخیر هیئت‌مدیره اتحادیه که من مسئولیتش را داشتم، آقای دکتر قالیباف، شهردار وقت تهران، در سخنرانی مراسم اختتامیه بیست‌وهشتمین نمایشگاه کتاب در مصلّا، وعده دادند که سال بعد ۱۳۰ هزار مترمربع فضای مسقف در باغ کتاب برای برگزاری بیست‌ونهمین نمایشگاه کتاب تهران تحویل خواهند داد و ازجمله قرار بود دو طبقه روی زمینی به مساحت ۴۵ هزار مترمربع بسازند که نساختند و مک‌کم موضوع جایگزینی شهر آفتاب مطرح شد.

در این مرحله جلسه‌ای هم با دکتر حسینی که مسئولیت اداره باغ‌کتاب را هم عهده‌دار شده بودند داشتیم؛ البته ایشان از تعدادی از ناشران دعوت کرده بودند. بنده هم از میان ایشان برای گفت‌وگو دعوت شده بودم ولی نه به‌عنوان رئیس اتحادیه مثل بقیه به‌عنوان ناشر، به آقای دکتر حسینی



زاویه

گفت‌وگو با محمود آموزگار، رئیس اتحادیه کتاب‌فروشان و ناشران

منتظر استقرار شورای پنجم وشهردار جدید هستیم



محمود آموزگار

گفتم استفاده از باغ‌کتاب به‌عنوان فروشگاه کتاب به کتاب‌فروشی‌ها آسیب می‌زند. ایشان که در درایت و دلسوزی‌شان تردید نیست، گفتند اگر کتاب‌فروشی نشود، فضا مورد استفاده بوتیک‌ها و پنگاه‌های ماشین قرار می‌گیرد. قرار بود ایشان کتبیا اتحادیه را در جریان قرار دهند ولی تا این لحظه بنده نام‌های از ایشان دریافت نکرده‌ام و در فضای مجازی از خبر تأسیس شرکت ماه‌پیشونی و برنده‌شدن آن در مزایده مطلع شدم.

❖ عنوان شده است اختلافاتی بین کتاب‌فروشان و هیئت‌مدیره اتحادیه درباره نحوه برقراری ارتباط با باغ‌کتاب وجود دارد. به نوعی اتحادیه بر علیه مصالح اعضایش رفتار می‌کند.

هیئت‌مدیره اتحادیه از هفت نفر تشکیل شده است و حداقل سه نفر از ایشان سهام‌دار شرکت سهامی خاص ماه‌پیشونی و دو نفر از این سه نفر رئیس و نایب‌رئیس هیئت‌مدیره شرکت مزبور هستند و وقتی فعالیت شرکت پادشده را اثبار تلقی کرده و فروش کتاب در باغ‌کتاب را مخالف منافع کتاب‌فروشی‌ها ارزیابی نکنند و نفر چهارم نیز با ایشان هم‌عقیده باشد، طبیعی است که اختلاف پیش بیاید. طبیعی است که ناشران اگر فقط به مصالح آنی خود بیندیشند، از فروش کتاب در باغ‌کتاب استقبال کنند به‌ویژه که پای بارانه‌های دولتی نیز به آنجا باز شود. اما نباید از نظر دور بداریم که این اتحادیه، اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان است و اتحادیه ناشران به‌تنهایی نیست درحالی‌که اکثریت اعضای اتحادیه را کتاب‌فروشان تشکیل می‌دهند، قطعاً نادیده‌انگاشتن موقعیت دشواری که بر اثر فروش کتاب در باغ‌کتاب متوجه کتاب‌فروشان می‌شود، چشم‌پستن بر مصالح اعضا و خلاف موازین و مقررات صنفی است.

❖ چرا اکثر ناشرانی که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها هستند و ناشران واقعی کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟



استقبال وحیرت

در طول این دو ماهی که از افتتاحیه

باغ کتاب می‌گذرد، بازخوردها نسبت به این مکان به‌ویژه از منظر خانواده‌ها کاملاً متفاوت است. آنان در نظر نمی‌گیرند چقدر خرج شده؛ همین که سرانجام بعد از ۱۱ سال افتتاح شد خودش قدم مثبتی می‌تواند باشد. ایلتا به نقل از محمد حقانی گزارش داده بود باغ کتاب در ۱۳۸۵ رقمی حدود ۵۵ میلیارد تومان بودجه در اختیار گرفت، اما به بهره‌برداری نرسید و دو سال بعد مجدداً ۷۶ میلیارد تومان بودجه دریافت کرد و باهم افتتاح نشد و با ۲۸۰ میلیارد تومان به بهره‌برداری رسید. اکثر خانواده‌ها فرضنی برای دیدار از این مکان را در برنامه خود قرار داده‌اند. به طوری که طبق اعلام روابط‌عمومی باغ کتاب ۲۵۰۰ هزار نفر در ۱۰ روز اول از آن دیدن کردند. خانواده‌ها با اشتیاق به تماشای این باغ جدید رفتند، برایشان پرداخت ۱۵،۱۰ هزار تومان ورودیه برای هر بخش غیرقابل تصور بود اما این همه راه آمده بودند و پرداخت کردند. همان‌طور که مدت‌ها در انتظار اتوبوس‌های شارژی بین پارکینگ و باغ ایستادند. این مکان طوری طراحی شده که دسترسی بدون خودرو به آن ممکن باشد اما اکثر افراد برای پیدا کردن پارکینگ دچار مشکل بوده‌اند و سعی کرده‌اند از مترو قفانی استفاده کنند. یکی از افراد به وعده رئیس شورای شهر سابق، چمران اشاره کرد که قرار است در سال‌های بعد مکان‌های زیباتری در اطراف باغ کتاب ساخته شود. دیگری محاسبه می‌کرد هنوز هیچی نشده حداقل ۳۰۰ میلیون تومان از باغ کتاب درآمد داشتند. دیگری می‌گفت اگر نخیردخ شاید بعد از مدتی مثل مصلی به پارکینگ تبدیلش کنند و نفری سه هزار تومان ورودی بگیرند. اما به‌رحال آنچه بسیاری از بازدیدکنندگان به آن اشاره می‌کنند و آن را جزء یکی از جذاب‌ترین بخش‌ها برای بازدید از باغ کتاب می‌دانستند، مجموعه باغ علم است که با مشارکت یک کمپانی مشهور کره‌ای ساخته و اجرا شده است. در جریان بازدید از این مرکز، کودکان در معرض آشنایی با چهار داستان علمی با عنوان داستان بدن، داستان خانه، داستان شهر و داستان زمین قرار می‌گیرند.

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

❖ چرا ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی هستند که به پیشنهاد می‌کنند، در اصل ناشران کتاب‌فروشی‌ها نیستند؟

ادامه از صفحه ۱۰

ایجاد التهاب

بدون اختلاف شخصی ممکن نیست

من فکر می‌کنم آنچه لازم است به آن توجه شود، طرح موضوع چرایی ضرورت ایجاد و گسترش چنین مجتمع‌های بزرگ فرهنگی است. طبق آمارهای موجود، تهران دارای ۶۴ مجتمع بزرگ تجاری (مگامال) است؛ آیا تهران ۸،۵ میلیون نفری، نیاز به یک یا حتی چندتا از این دست مراکز فرهنگی ندارد؟

❖ الان این فضا برای دایره مخاطبان و خریداران کتاب فراهم شده است؟ حداقل در بخش کودک و نوجوان؟

عموم مخاطبان بخش کودک و نوجوان، خانواده هستند. از طرفی در این فضا خانواده در کنار هم روز خود را می‌گذرانند. در بخش‌های مختلف می‌توانند بسته به سلیقه و توان و نیاز خود، انتخاب کنند؛ در حقیقت مهم این است که خانواده یک روز را کنار هم در محیطی فرهنگی می‌گذرانند. بسیاری از والدین در فضایی که در بخش کتاب‌فروشی هست، برای بچه‌ها کتاب می‌خوانند، استراحت می‌کنند و با خیال راحت غذا و خوراکی بچه‌ها را می‌دهند؛ در فضایی راحت بین کتاب‌ها که فضایی است که در کمتر جایی دیده می‌شود. خانواده‌ها با فرزندانشان در سنین مختلف و سلیقه‌های متنوع می‌توانند به‌راحتی در این فضا کالای فرهنگی‌ای را که به آن علاقه دارند، انتخاب کنند. ❖ شما با نهادهای مستقل فعال در حوزه کودک و نوجوان چه ارتباطی دارید؛ مثلاً انجمن نویسندگان، شورای کتاب کودک، لاک‌پشت پرنده و...؟

برنامه‌هایی برای این ارتباط‌ها وجود دارد و طرح‌هایی اجرایی در نظر گرفته شده است. مثلاً قرار است پل‌هایی برای لاک‌پشت پرنده برای کتاب‌های فصلی و کتاب‌های نشان‌دار قرار بدهیم. همین‌طور شورای کتاب کودک و بقیه نهادهایی که فهرست یا جوایزی در بخش کتاب‌های کودک و نوجوان دارند که البته این همکاری نیاز به همکاری مستمر این نهادها دارد که بروشورها و فهرست کتاب‌هایشان را در اختیار ماه‌پیشونی قرار بدهند. از طرفی، درباره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، می‌توانیم همکاری برای برنامه‌های جشن امضای کتاب یا کارگاه‌های قصه‌خوانی با نقد و بررسی کتاب و دیدار با نویسندگان و مترجم‌ها را داشته باشیم و با انجمن تصویرگران کتاب کودک نیز برای فعالیت‌های تصویرگری و دیدار با تصویرگران کتاب کودک. هم‌اکنون گفت‌وگوهایی با بعضی از این دوستان انجام شده و در حال برنامه‌ریزی هستیم تا با پتانسیل‌های گوناگون گروه‌ها و نهادهای مختلف حوزه کودک و نوجوان با توجه به نوع فعالیت‌های مجموعه و ضوابط ماه‌پیشونی استفاده کنیم. در حقیقت، قرار است هفته‌ای دو برنامه ویژه در فروشگاه برگزار شود.

❖ در بخش کودک و نوجوان باغ کتاب، مقدر به همکاری با ناشران مستقل و کتاب‌فروشی‌های کوچک اهمیت داده می‌شود و چقدر رقیب آنها محسوب می‌شود؟

اگر از ناشران مستقل منظور ناشران بخش خصوصی باشد، باید بگویم از ۴۴۲ ناشری که در کشور در عرصه کودک و نوجوان فعالیت می‌کنند، به‌جز سه ناشر: مدرسه، امیرکبیر و سوره مهر که دولتی هستند، مابقی همه ناشران بخش خصوصی تهران و شهرستان‌ها هستند. نزدیک به ۱۷۰ ناشر از تولیدکنندگان کوچک و کم‌کتاب هستند. سیاست ماه‌پیشونی در ارتباط با تأمین‌کنندگان کتاب نیز حمایت مستقیم از تولیدکننده ناشر است.

❖ پس رقابتی در کار نیست؟

به نظر من، خیر؛ در کل رقابتی درکار نیست، به‌ویژه در بخش کودک و نوجوان. به دلیل اینکه اساساً کتاب کودک ویتربنی برای عرضه در کتاب‌فروشی‌ها نداشته است.

❖ هرچند بارها اعلام شده است که هدف، افزایش فروش کتاب است، اما ناشران و کتاب‌فروشان ناشرانی دارند. برای رفع آنها چه تدابیری اندیشیده شده است؟

چرا شما اصرار بر افزایش فروش و کلمه فروش دارید؟!

❖ پس هدف چیست؟ قرار است یک اسکان رفاهی بی‌هیچ بازگشت سرمایه‌ای برای شرکت ماه‌پیشونی در اختیار مردم و ناشران قرار گیرد؟

حتماً رونق اقتصاد نشر کودک برای ما بسیار حائزاهمیت است، اما تعجب از این است که چرا کمتر توجه به امکانی که برای خروج از محرومیت کتاب کودک فراهم آمده نمی‌شود؛ آنچه برای ما هدف اصلی است ایجاد و تأسیس یک ویتربین یا ۲۳ هزارو ۴۴۲ عنوان کتاب است، حتما در دل این هدف، اقتصاد نشر کتاب کودک هم رونق خواهد یافت.

تفاوت این مجموعه با فروشگاه‌های دیگر به‌لحاظ فعالیت‌های جنبی بسیار است. این فضا امکان انتخاب و ارتباط مستقیم مخاطب با کتاب را فراهم می‌کند. مخاطب این فرصت را دارد تا بدون محدودیت مکانی و زمانی با خیال راحت در بین کتاب‌ها بچرخد، لابه‌لای قفسه‌ها کتاب‌ها را ببیند، انتخاب کند و حتی سر فرصت کتاب را بخواند. ارتباط مستقیم و لمس کتاب برای مخاطب خردسال و کودک در کمتر فروشگاه کتاب یا کتاب‌فروشی‌ای فراهم است. تعداد متنوع ناشران و کتاب‌ها می‌تواند پاسخ‌گوی هر نوع سلیقه و گروه سنی باشد. اینجا فقط بحث فروش کتاب نیست، بحث راه‌یافتن کتاب به سبد کالای خانواده است؛ فرصتی برای دوستی با کتاب در محیطی امن و آرام و شاد برای بچه‌ها. ما اطمینان داریم که برابند مجموعه فعالیت‌های باغ کتاب به گسترش و ترویج کتاب‌خوانی و در نتیجه رونق اقتصاد نشر منجر می‌شود منتها به به کتاب‌فروشان، بلکه به ناشران کتاب است که می‌کند. در یکی از سؤالات شما هم اشاره کردم معمولاً مخاطبان ما خانواده‌ها هستند، درحالی‌که فروشگاه کتاب یا کتاب‌فروشی کمتر این فرصت را مهیا می‌کند.

❖ آیا با آمدن باغ کتاب این‌س نگرانی مطرح نیست که کتاب‌فروشی‌های سطح شهر از بین بروند؟

من فکر می‌کنم این‌قدر کمبود ویتربین کتاب در کشور هست که باعث نشود کتاب‌فروشی‌های کوچک و محلی از بین بروند، بلکه بر این باورم که فضاهای این‌چنینی به گسترش و ارتقای فرهنگ خواندن و ترویج کتاب و کتاب‌فروشی کمک خواهد کرد. درواقع باید دید و تحلیل کرد که آیا کشایش اولیه شهر کتاب تهران به‌عنوان یک مجموعه کوچک عرضه‌کننده مجموعه کتاب و محصولات فرهنگی یا تأسیس اولین فروشگاه زنجیره‌ای کتاب در کورش، باعث کاهش سطح کتاب‌خوانی و به‌تبع آن کاهش عطش تأسیس شعبات بعدی آنها شده یا خیر یا امروز شما می‌بینید در همین تهران یک شهر کتاب به بالای ۳۰ فروشگاه کتاب در شهر تهران افزایش یافته یا یک شعبه فروشگاه نشر چشمه در عرض چند سال اخیر به چند فروشگاه افزایش یافته است. من چنین فکر نمی‌کنم، چون در اصل نوع مخاطب و فعالیت این دو؛ یعنی باغ کتاب و کتاب‌فروشی‌های سطح شهر به دردسترس قرارگرفتن بیشتر کتاب کمک می‌کند. باغ کتاب هم در کنار بقیه مراکز عرضه کتاب می‌تواند به فروش کتاب و این چرخه توزیع کمک کند.